



University of Tabriz

Contemporary Comparative Legal Studies

Online ISSN: 2821-0514

Volum: 16 Issue: 38

Spring 2025

Article Type: Research Article

Pages: 139-163

A Comparative Study of the Nature of Late Payment Damages in Iranian and English Law

Abbas Karimi¹ | Amirhossein Ghadiani Monfared² | Ghazaleh Sahranavard³

1. Professor, Law Department, University of Tehran, Iran (Corresponding Author) abkarimi@ut.ac.ir

2. Ph.D Candidate in private law, Allameh Tabatabaie University, Tehran, Iran

amirhosein_ghadiani@atu.ac.ir

3. Ph.D Candidate in private law, University of Tehran, Iran

gh.sahranavard@ut.ac.ir

Abstract

As a result of delay in fulfilling monetary obligations, on one hand, the value of money decreases in proportion to the passage of time, and on the other hand, the creditor is deprived of enjoying the benefits of money during the period of delay, and in this regard, suffers losses. Both types of damages are referred to as late payment damages in the Iranian legal system, but late payment damages in their true sense are the latter type. According to Article 522 of the Iranian Civil Procedure Code, only damages resulting from the devaluation of currency and up to the inflation rate can be compensated, but according to the decision as a unify judicial procedure No. 805 of the Supreme Court, an agreement on compensation for late payment damages in an amount exceeding the inflation rate has been prescribed. Therefore, the possibility of compensating for late payment in its true sense (including objective damages in general, personal damages with proof of the debtor's fault and the amount of the loss incurred, and unpredictable damages with proof of the debtor's malicious intent) has been provided through the agreement of the parties. In English legal system, after moving from the stage of impossibility of paying the excess amount of the debt and accepting the possibility of paying damages for late payment in monetary debts, in the assumption that the parties to the contract directly specify the amount of damages for late payment, it will not be valid if that amount is taken a criminal aspect and is considered a so-called criminal condition. In Iranian law, based on the decision as a unify judicial procedure No. 805 and the principle of non-harm, the amount determined must not be inconsistent with mandatory regulations; So the condition for late payment damages that is unreasonable (imposed condition), can be considered invalid due to its conflict with public order and Being usurious; in other words, the parties are free to determine the amount of damages for late payment to the extent that the term is claiming damage in its true sense, not usury.

Keywords: Late Payment Damages, Monetary Obligation, Usury, Imposed Condition.

Received: 2024/02/04

Received in revised form: 2025/04/22

Accepted: 2025/07/13

Published: 2025/06/07

DOI: 10.22034/law.2025.60361.3364

Publisher: University of Tabriz

law@tabrizu.ac.ir





مطالعه تطبیقی ماهیت خسارت تأخیر تأدیه در حقوق ایران و انگلیس

عباس کریمی^۱ | امیرحسین قدیانی منفرد^۲ | غزاله صحرانورد^۳

abkarimi@ut.ac.ir

amirhosein_qadiani@atu.ac.ir

gh.sahranavard@ut.ac.ir

۱. استاد گروه حقوق دانشگاه تهران، ایران (نویسنده مسئول)

۲. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه علامه طباطبائی تهران، ایران

۳. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه تهران، ایران

چکیده

در اثر تأخیر در ایفای تعهدات پولی از یک سو، ارزش پول به نسبت گذشت زمان و تأخیر حاصل شده کاهش می‌یابد و از سوی دیگر، متعهدله از بهره بردن از منافع پول در مدت زمان تأخیر محروم شده، از این حیث خساراتی به او وارد می‌آید. به هر دو قسم این خسارات در نظام حقوقی ایران عنوان خسارت تأخیر تأدیه اطلاق می‌شود، اما خسارت تأخیر تأدیه به معنای واقعی آن، قسم اخیر است. به موجب ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی، فقط خسارت ناشی از کاهش ارزش پول و تا سقف نرخ تورم قابل جبران است. اما به موجب رأی وحدت رویه شماره ۸۰۵ دیوان عالی کشور، توافق بر جبران خسارت تأخیر تأدیه به میزانی افزون بر نرخ تورم، تجویز شده است؛ بنابراین، امکان جبران خسارت تأخیر تأدیه به معنای واقعی آن (اعم از خسارات نوعی به صورت مطلق، خسارات شخصی با اثبات تقصیر مدیون و میزان ضرر وارده، و خسارات غیرقابل پیش‌بینی با اثبات سوءنیت مدیون) از رهگذر توافق اشخاص فراهم گردیده است. در نظام حقوقی انگلستان، پس از گذار از مرحله عدم امکان پرداخت مبلغ مازاد بر دین و به رسمیت شناختن امکان پرداخت خسارت تأخیر تأدیه در دیون پولی در فرضی که طرفین قرارداد راساً میزان خسارت تأخیر تأدیه را مشخص می‌کنند، در صورتی که آن مبلغ، به میزانی باشد که جنبه کیفری به خود بگیرد و اصطلاحاً شرط کیفری دانسته شود، معتبر نخواهد بود. در حقوق ایران نیز به موجب قید قسمت اخیر رأی وحدت رویه پیش گفته مبنی بر لزوم عدم مغایرت مبلغ تعیین شده با مقررات آمره از یک سو و همچنین با استناد به قاعده لاضرر از سویی دیگر، شرط خسارت تأخیر تأدیه غیرمعقول (شرط تحمیلی) را می‌توان به جهت مغایرت با نظم عمومی و صدق عنوان ربا بی‌اعتبار دانست؛ به دیگر سخن، آزادی طرفین در تعیین میزان خسارت تأخیر تأدیه تا حدی است که صدق عنوان خسارت نماید، نه ربا.

واژگان کلیدی: تأدیه، تعهد پولی، خسارت تأخیر ربا، شرط تحمیلی.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۳/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۲۳

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۲/۰۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۵

DOI: 10.22034/law.2025.60361.3364



law@tabrizu.ac.ir

ناشر: دانشگاه تبریز

مقدمه

نسخ قوانین و مقررات پیشین، از جمله ماده ۷۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ و عدم پذیرش خسارت تأخیر تأدیه به جهت شبهه ربوی آن، به دلیل پیامدها و آثار نامطلوبی که از حیث حقوقی و اقتصادی بر جای نهاد و تعهدات پولی را عملاً و قانوناً فاقد ضمانت اجرا گذاشت و به عدم ایفای تعهدات پولی از سوی متعهدان به ویژه بدهکاران بانکی منجر شد، در نهایت سبب گردید خسارت تأخیر تأدیه با چهره‌ای جدید در قالب ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی در سال ۱۳۷۸، به عنوان آخرین اراده قانون‌گذار، به نظام حقوقی ایران وارد شود؛ همین مسئله تردیدهایی جدی را در مورد ماهیت حکم این ماده ایجاد نمود. محل تردید و موضوع پرسش آن بود که آیا آنچه مورد تجویز قانون‌گذار در ماده ۵۲۲ قانون جدید قرار گرفته، جبران خسارتی است که به سبب عدم پرداخت به موقع طلب پولی بستانکار در موعد مقرر، به وی وارد آمده است «یا با توجه به عدم اصالت پول و ملاک بودن ارزش اقتصادی آن، نظام حقوقی ایران در این شرایط، تنها پرداخت ارزش پول مورد تعهد را پذیرفته و نه مبلغی مازاد بر آن را به عنوان خسارت ناشی از عدم انجام به موقع تعهد»^۱؟ در همین راستا در واپسین روزهای سال ۱۳۹۹، هیئت عمومی دیوان عالی کشور اقدام به صدور رأی وحدت رویه بحث‌برانگیزی نمود که وضعیت موجود را تا حدودی دگرگون ساخت. بر اساس این رأی، تعیین وجه التزام تعهدات پولی بیش از شاخص بانک مرکزی تا هر میزان و البته به شرط عدم مغایرت با قوانین امری از جمله مقررات پولی، معتبر شناخته شد؛ به عبارت دیگر با توجه به صدور رأی وحدت رویه یادشده، این امکان برای اشخاص وجود دارد تا از گذر توافقی، افزون بر جبران کاهش ارزش پول، امکان جبران خسارتی را که به سبب عدم دسترسی به موقع متعهدله به پول خویش به وی وارد آمده است، فراهم آورند. اما پرسش جدی در این باره آن است که آزادی اشخاص و طرفین قراردادی در تعیین این مبلغ تا کجاست؟ آیا طرفین آزادند به هر نحو و میزان که بخواهند مبلغ قابل پرداخت در فرض تأخیر در ایفای تعهدات پولی را مشخص کنند یا آنکه اصول و قواعدی می‌تواند از قلمرو آن بکاهد؟ در نظام حقوقی انگلستان، مباحث یادشده پیشینه نسبتاً طولانی دارد؛ بنابراین، سعی بر آن است تا با

۱. ایرج بابایی، حقوق مسئولیت مدنی مبتنی بر نقد و بررسی آراء و رویه قضائی، ج ۱، (تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، چ ۴، ۱۳۹۹)، ص ۱۶۲.

مطالعه در نظام حقوقی آن کشور و تطبیق مباحث با حقوق ایران، به تبیین درست و روشنی از موضوع دست پیدا کنیم. نظر به اینکه آنچه در ابتدا از ماهیت خسارت تأخیر تأدیه به ذهن متبادر می‌شود، کاهش ارزش پول در مقام ضمان جعلی است، نخست، خسارت تأخیر تأدیه را به‌عنوان ضمان جعلی بررسی خواهیم کرد و سپس به خسارت تأخیر تأدیه در معنای واقعی خود در مقام ضمان قهری خواهیم پرداخت.

۱. خسارت تأخیر تأدیه به‌عنوان ضمان قراردادی

ضمان قراردادی یا جعلی عبارت است از ضمانی که طرفین برای خود جعل نموده‌اند؛ برای مثال در تعهد به پرداخت مبلغ معینی در سررسید مشخص، در صورتی که متعهد به تعهد خویش مبنی بر پرداخت مبلغ دین پایبند نباشد و در انجام تعهد خود تأخیر نماید، از آنجا که «زمان» جزئی از تعهد بوده که انجام نشده و در اثر گذر آن، از ارزش پول کاسته شده، ضروری است کاهش ارزش پول در اثر تأخیر در انجام تعهد در سررسید معین، با پرداخت خسارت تأخیر تأدیه جبران شود تا درواقع متعهد، اصل تعهد خود را انجام داده، برائت ذمه حاصل گردد.

در این مبحث به بررسی خسارت تأخیر تأدیه به‌عنوان ضمان قراردادی تا میزان نرخ تورم و بیش از نرخ تورم خواهیم پرداخت.

۱.۱. خسارت تأخیر تأدیه تا میزان نرخ تورم

در مقام تحلیل ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی، چنین به‌نظر می‌رسد که ماده یادشده میان «خسارت تأخیر تأدیه به‌معنای واقعی آن» و «کاهش ارزش پول» خلط نموده و با اینکه به‌ظاهر از خسارت تأخیر تأدیه صحبت کرده، ولی در واقع به کاهش ارزش پول پرداخته است. در این ماده با آنکه از عنوان خسارت تأخیر تأدیه استفاده نشده، ولی در تبصره ۲ ماده ۵۱۵ همان قانون، خسارت تأخیر تأدیه در موارد قانونی قابل مطالبه دانسته شده که منظور از آن، همان حکم مقرر در ماده ۵۲۲ است. به‌ویژه آنکه ماده ۵۲۲، ذیل فصل دوم و تحت عنوان «خسارت»، پیش‌بینی شده که حاکمی از آن است که قانون‌گذار در مقام بیان خسارت تأخیر تأدیه دیون پولی بوده است؛ این درحالی است که دقت در ماده ۵۲۲ نشان می‌دهد که قانون‌گذار کاهش ارزش



پول در اثر تورم را بیان کرده است.^۲ در واقع بر اساس ماده ۵۲۲، بدهکار با پرداخت مبلغی اضافی بر اساس نرخ تورم، در واقع، اصل تعهد خود را ایفا می‌کند و این پرداخت، خسارتی افزون بر اصل تعهد نیست^۳ و حکم دادگاه به استناد ماده یادشده مبنی بر محکومیت مدیون تعهد پولی به پرداخت معادل میزان کاهش ارزش پول موردتعهد در کنار اصل آن، جزء اصل تعهد موردتوافق است (ضمان جعلی)، نه خسارت (ضمان قهری). برای اثبات این مدعا دلیلی چند یافت می‌شود:

الف) دلیل اصلی نسخ مقررات پیش از انقلاب اسلامی در خصوص خسارت تأخیر تأدیه تعهدات پولی و در رأس آنها ماده ۷۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی پیشین، اعتقاد برخی به عدم انطباق آن مقررات با شرع از حیث ربوی بودن آنها بود و یکی از دلایلی که دکترین به جبران خسارت تأخیر تأدیه دین پولی به معنای خسارت ناشی از عدم انجام به موقع تعهد روی خوش نشان نمی‌دهد، همین شبهه ربوی بودن است^۴ و بر همین اساس، چاره‌ای جز تحلیل حکم ماده ۵۲۲ به پرداخت ارزش واقعی پول وجود ندارد.

ب) دلیل دیگری که در اثبات ماهیت یادشده برای ماده ۵۲۲ عنوان می‌شود، آن است که قانون‌گذار، نرخ تورم اعلامی بانک مرکزی را به عنوان معیار مبلغ قابل پرداخت تعیین کرده است؛ درحالی که جبران خسارتی که در اثر افزایش قیمت‌ها و عدم پرداخت به موقع از سوی بدهکار به بستانکار وارد شده، قاعدتاً باید تابع قواعد عمومی ضمان باشد^۵ که در آن، اصل بر جبران کامل خسارت به گونه‌ای است که زیان دیده به وضعیت پیش از ورود زیان بازگردانده شود (در مسئولیت قهری) و یا در موقعیتی قرار گیرد که در صورت اجرای صحیح قرارداد، در آن جای می‌گرفت (در مسئولیت قراردادی)^۶ و تعیین معیاری غیرقابل تخلف برای محاسبه خسارت ادعایی که غالباً تمام

۲. عباس کریمی و محمدهادی جواهرکلام، «تحلیل رأی وحدت رویه شماره ۷۳۳ هیأت عمومی دیوان عالی کشور؛ با تأکید بر ماهیت پول و تمایز کاهش ارزش پول، خسارت تأخیر تأدیه و خسارت ناشی از افزایش قیمت‌ها»، *دانشنامه حقوق اقتصادی*، ش ۱۷ (۱۳۹۹)، ص ۹.

۳. کامران آقایی، «ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی در آیین نظریه تعدیل پول»، *تحقیقات حقوقی*، ش ۸۰ (۱۳۹۶)، ص ۲۵۱.

۴. مهدی شهیدی، *حقوق مدنی: آثار قراردادها و تعهدات*، ج ۳، (تهران: مجد، چ ۱۰، ۱۴۰۱)، ص ۲۸۴؛ ناصر کاتوزیان، *قواعد عمومی قراردادها*، ج ۴، (تهران: سهامی انتشار، چ ۹، ۱۳۹۳)، ص ۲۴۸-۲۶۴؛ سید حسن وحدتی شبیری، «مطالعه تطبیقی تأخیر تأدیه در حقوق ایران و فقه امامیه»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۱۲ (۱۳۸۲)، ص ۱۰۶.

۵. عباس کریمی و محمدهادی جواهرکلام، پیشین، ص ۲.

۶. سید حسین صفایی و حبیب‌اله رحیمی، *مسئولیت مدنی تطبیقی*، (تهران: شهر دانش، چ دوم، ۱۳۹۹)، ص ۵۶.

خسارات ناشی از تأخیر را جبران نمی‌کند، با این امر سازگار نیست.^۷

پ) برخلاف گذشته که پول، معرف مقداری طلا و نقره بود که ارزش ذاتی داشت، امروزه و پس از رواج اجباری اسکناس، رابطه ارزش پول، با طلا و نقره از بین رفته است و نه تنها پول، مقداری از طلا و نقره نیست، بلکه نماینده مقدار معینی از این فلزهای گران بها نیز محسوب نمی‌شود.^۸ بنابراین پول دارای ارزش اعتباری است، نه ذاتی و عینی، و اسکناس هم تنها نماینده واحدی از پول است؛^۹ در نتیجه ارزش پول به قدرت خرید و قدرت مبادله آن است.^{۱۰} با تحلیل ماهیت پول، مشخص می‌شود که جبران کاهش ارزش پول، جزئی از اصل دین و به منزله ایفای اصل تعهد است.^{۱۱} نه مازاد بر آن. در حقیقت همان گونه که در تعهدات غیر پولی، متعهد با تسلیم عین موضوع تعهد، وفای به عهد می‌کند و در غیر این صورت، مرتکب نقض عهد می‌شود، در تعهدات پولی نیز متعهد باید همان ارزشی را که گرفته است، بازگرداند تا وفای به عهد محقق گردد؛^{۱۲} چراکه در تعهدات پولی، متعهد، قدرت خریدی را تحصیل می‌کند، نه کاغذ اعتباری و ارزش اسمی را. بنابراین، متعهد دین پولی باید افزون بر ارزش اسمی آن، به میزان نرخ تورم، کاهش ارزش پول را جبران کند تا اصل پولی را که گرفته است، بازگرداند؛^{۱۳} حتی حقوق دانانی که برای حکم مندرج در ماده ۵۲۲، ماهیت جبران خسارت قائل هستند، نفی ماهیت جبران خسارت را با توجه به ماهیت پول، قابل توجیه می‌دانند.^{۱۴}

در حقوق انگلیس - پس از عبور از قواعد سنتی مبنی بر عدم امکان پرداخت مبلغ مازاد بر دین و به رسمیت شناختن امکان پرداخت خسارت تأخیر تأدیه در دیون پولی (که در بند آتی

۷. این استدلال بر نظری استوار است که توافق طرفین به میزان بیش از نرخ تورم را مجاز نمی‌داند که نظر پذیرفته شده در رأی وحدت رویه اخیر برخلاف آن است.

۸. ناصر کاتوزیان، *نظریه عمومی تعهدات*، (تهران: میزان، چ ۱۰، ۱۴۰۰)، ص ۵۱ و ۵۲.

۹. ناصر مکارم شیرازی و ابوالقاسم علیان نژادی، *ریا و بانکداری اسلامی*، (قم: امام علی بن ابی طالب، چ ۱، ۱۳۹۵)، ص ۱۴۴ و ۱۴۵.

۱۰. مهدی شهیدی، پیشین، ص ۲۸۱.

۱۱. کامران آقایی، پیشین، ص ۲۵۳.

۱۲. علی اکبر یزدی فرد، و همکاران، «مفهوم و ماهیت پول و ضمان مربوط به کاهش ارزش و خسارت تأخیر تأدیه در بازپرداخت قرض

اسکناس»، *مطالعات فقه و حقوق اسلامی*، ش ۲۷ (۱۳۹۱)، ص ۱۴.

۱۳. سید محمد موسوی بجنوردی، «بررسی و نقد نظریات برخی از اندیشوران اسلامی درباره ماهیت پول»، *رهنمون*، ش ۶ (۱۳۷۲)، ص

۱۰۸.

۱۴. ایرج بابایی، پیشین، ص ۱۶۹.



مفصل بیان خواهد شد) - در تقویم خسارات قراردادی، دادگاه جمیع شرایط و اوضاع و احوال موثر را مدنظر قرار می‌دهد، از جمله شرایطی که می‌توان در این خصوص به آن اشاره کرد، بحث تورم است. در واقع، در حقوق انگلیس، مقررات ویژه‌ای پیرامون جبران کاهش ارزش پول و تأثیر آن در تعهدات مالی وضع نشده است، اما این به معنای بی‌توجهی کامل به مسئله یادشده نیست؛ چراکه دادگاه‌ها با توجه به اختیاری که در بررسی شرایط و اوضاع مختلف برای تقویم خسارت تأخیر تأدیه دارند، عامل تورم را نیز به عنوان یکی از معیارهای مؤثر در رأی نهایی خویش منظور می‌کنند و در واقع، ضمن حکم به پرداخت بهره، ارزش کاهش یافته پول را نیز می‌توانند مورد حکم قرار دهند^{۱۵}. البته قواعد اخیر، از اختیارات بالقوه محاکم است، اما واقعیت‌های فعلی کشور انگلیس غیر از اثری که اخیراً شیوع کرونا بر افزایش تورم گذارده است، به لحاظ ثبات اقتصادی، به طور کلی، حکایت از درصد بسیار پایین تورم دارد.

۲.۱. خسارت تأخیر تأدیه بیش از نرخ تورم

با وجود حکم مقرر در ماده ۵۲۲ آیین دادرسی مدنی، پرسشی ذهن حقوق دانان را به خود مشغول کرده است، مبنی بر اینکه آیا اشخاص می‌توانند در قراردادهای فی‌مابین، برای تعهدات پولی، وجه التزامی بیشتر از شاخص بانک مرکزی تعیین کنند؟ پیش از این، رویه غالب محاکم و همچنین دیدگاه اداره حقوقی قوه قضاییه^{۱۶} و حقوق دانان^{۱۷} بر این نظر استوار بود که تصریح ماده ۲۳۰ قانون مدنی مبنی بر اینکه در تعیین وجه التزام سقفی وجود ندارد و هیچ‌کس نمی‌تواند طرفین قرارداد را به تعیین رقمی کمتر یا بیشتر مجبور کند، تنها ناظر به تعهدات غیرپولی بود و تعهدات پولی مشمول ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی می‌شد و وجه التزامی که بنا بود برای آنها تعیین شود، صرفاً به میزان شاخص اعلامی رسمی بانک مرکزی، یعنی همان نرخ تورم وابسته بود.

اما رأی وحدت رویه شماره ۸۰۵ دیوان عالی کشور در خصوص «تعیین وجه التزام قراردادی به منظور جبران خسارت تأخیر در ایفای تعهدات پولی» که در روزهای پایانی سال ۱۳۹۹ به

۱۵. فردریک میسکین، پول، ارز، بانکداری، ترجمه علی جهانخانی و علی پارسایان، (تهران: سمت، چ ۱۳، ۱۳۹۶)، ص ۱۰۹.

۱۶. نظریات مشورتی شماره‌های ۴۵۵۸/۷ مورخ ۱۳۹۰/۱۱/۰۱ و ۱۷۴۷/۹۲/۷ مورخ ۱۳۹۹/۰۹/۰۹ اداره حقوقی قوه قضاییه.

۱۷. ناصر کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، ج ۴، (تهران: سهامی انتشار، چ ۹، ۱۳۹۳)، ص ۲۳۴.

تصویب هیئت عمومی دیوان عالی کشور رسید، تعیین وجه التزام تعهدات پولی بیش از شاخص بانک مرکزی تا هر میزان، و البته به شرط عدم مغایرت با قوانین امری از جمله مقررات پولی را به رسمیت شناخت. بر این اساس، اشخاص می‌توانند در قراردادهای فی‌مابین، برای تعهدات پولی نیز وجه التزامی بیش از شاخص بانک مرکزی تعیین کنند. بنابراین مطابق این رأی وحدت رویه (که از جهات مختلفی طبق اصول و قواعد نظام حقوقی ایران قابل نقد است)^{۱۸}، این امکان برای طرفین قراردادی فراهم آمد تا افزون بر جبران کاهش ارزش پول طبق نرخ تورم اعلامی از سوی بانک مرکزی، از طریق درج شرط ضمن عقد و از رهگذر قرارداد، بر لزوم پرداخت مبلغی بالاتر از آن از سوی شخصی که در ایفای تعهد پولی خود تأخیر می‌ورزد نیز توافق کنند و از این طریق، راه برای جبران خساراتی که به سبب تأخیر در دریافت آن به متعهدله وارد می‌آید نیز گشوده شد.

اما پرسشی که پیش می‌آید آن است که حدود آزادی طرفین در تعیین مبلغ قابل پرداخت تا چه میزان است؟ آیا آنان آزادند که به هر نحو و میزان که بخواهند مبلغ را تعیین کنند؟ برای دستیابی به این پرسش، بهتر آن است که در آغاز دیدگاه و رویکرد نظام حقوقی انگلستان را در این باره مورد بررسی قرار دهیم تا از رهگذر مطالعه تطبیقی به راه‌حل مناسبی دست یابیم.

در خصوص بهره‌ر پول در میان قواعد سنتی کامن‌لا، دو قاعده وجود داشت: بر اساس قاعده اول، چنانچه نقض قرارداد شامل قصور خوانده در پرداخت پول باشد، ضرر و زیان خواهان تنها همان مبلغ معین اصلی را شامل می‌شود. قاعده دوم بر این مبتنی است که دین به‌تنهایی نمی‌تواند واجد منفعت باشد و برای آن سودی منظور نخواهد شد؛ به دیگر سخن، برابر با این قاعده، «پول سودی به همراه ندارد». این دو قاعده درواقع برگرفته از قواعد اخلاقی کلیسا بود^{۱۹}. بنابراین، مدیون می‌توانست با اعمال مطلق قواعد یادشده، از پرداخت مبلغ مازاد بر مبلغ اصل دین معاف شود و همین موضوع برای بستانکاران با توجه به نرخ‌های بهره و تورم، مشکل‌آفرین شد. درجهت رفع این مشکل، کمیسیون مشورتی حقوقی طی گزارشی در سال ۱۹۷۸ از دولت

۱۸. برای مطالعه بیشتر، نک: غلامعلی صدقی، «وجه التزام ناشی از تعهدات پولی: تحلیل مبانی فقهی و حقوقی و پاسخ به سؤالات، اشکالات و ابهامات رأی وحدت رویه ۸۰۵ هیئت عمومی دیوان عالی کشور»، مجموعه حقوقی (دیوان عالی کشور)، ش ۱ (۱۴۰۰)، ص ۲۶۰-۲۶۷.

19. William V. Reynolds, *an Introduction to the Law of Contract*, (Oxford Clarendon Press, Forth. ed., 1990), p. 484.



خواست که این قاعده اصلاح شود، اما دولت با آن پیشنهاد مخالفت کرد^{۲۰}.

با وجود این، مراتب پیش گفته مانع از آن نشد که قواعد اخیر به صورت مطلق باقی بماند، بلکه هم قانون گذار انگلیس و هم دادگاه های این کشور به تدریج به تخصیص قواعد یاد شده مبادرت کرده، دایره شمول آن را بسیار محدود نمودند که می توان به ترتیب به موارد زیر اشاره کرد:

الف) توافق طرفین. از استثنای این قاعده که از سوی دادگاه های انصاف وضع شده، آن است که اگر طرفین به صراحت پرداخت خسارت تأخیر تأدیه را در قرارداد خود شرط کرده، توافق نمایند که در صورت تأخیر در پرداخت به موقع وجه نقدی که مبلغ آن مشخص است، طرف مقابل باید سود و بهره پول را به زیان دیده پرداخت کند، این توافق، معتبر و نافذ تلقی شده، نقض کننده شرط پیش گفته، مکلف به جبران خسارات نامبرده خواهد شد. البته این وضعیت، خود دو احتمال دارد؛ یکی آنکه مبلغ خسارت نیز در قرارداد معین شده باشد، و دیگری آنکه تعیین آن به عهده دادگاه یا داور گذارده شده باشد.

ب) شرط ضمنی در قرارداد. هرگاه از کلیه اوضاع و احوال مرتبط با قرارداد این شرط ضمنی استخراج شود که طرفین در حین انعقاد قرارداد، به لزوم جبران خسارت تأخیر تأدیه از سوی طرف ناقض قرارداد توجه داشته اند، دادگاه با استنباط از شرط یاد شده، مکلف به تبعیت از آن و منظور نمودن خسارت پیش گفته است^{۲۱}.

ج) هرگاه دین، از وثیقه تجاری ناشی شود؛ به این معنی که در معاملات تجاری، شخصی در ازای دین خود، وثیقه ای قرار داده، سپس در تأدیه دین خود در موعد مقرر قصور ورزد، در این صورت، بهره به دین تعلق خواهد گرفت^{۲۲}. در این خصوص، ماده ۹ قانون بهره تأخیر در پرداخت دیون تجاری مصوب ۱۳۹۸^{۲۳}، به طرفین قرارداد که معمولاً شامل شرکت های تجاری یا مدنی می شود، این امکان را می دهد که نرخ بهره را تغییر دهند. این تغییرات مشروط به این است که

20. Cheshire, Fifoot and Furmstons, *Law of Contract*. (London: Butter Worts, Seventeenth. ed. 1986), p. 2017.

21. Treitel Guenter H, *An Outline of the Law of Contract*, (Oxford University Press, 6th Ed. 2005), p. 306.

22. Barker Pafifield, Coline, F, *Law Mad Simple*, (Twelve. ed. 2002), p. 241.

23. Late Payment of Commercial Debts Act 1998, Article 9.

نرخ بهره تعیین شده دارای ضمانت اجرایی مؤثر باشد. مفهوم ضمانت اجرایی مؤثر به این معناست که نرخ بهره توافق شده باید عادلانه و منطقی باشد، به گونه‌ای که بتواند خسارات ناشی از تأخیر در پرداخت دیون تجاری را جبران کند و همچنین موجب ایجاد انگیزه برای پرداخت به موقع دیون از سوی بدهکاران شود. به دیگر سخن، نرخ بهره توافق نباید کمتر از خسارت ناشی از کاهش ارزش پول و نیز خسارت ناشی از محرومیت متعهدله از بهره بردن از منافع پول، در مدت زمان تأخیر (بهره) باشد؛ در غیر این صورت، بدهکاران ممکن است تمایل داشته باشند که پرداخت دیون خود را به تأخیر بیندازند. به این ترتیب، این امکان قانونی برای تمامی کسب‌وکارها و نیز بخش عمومی فراهم آمد تا بتوانند بهره ناشی از تأخیر در تأدیه تعهدات پولی قراردادی را از دیگر کسب‌وکارها و دیگر بخش‌های عمومی مطالبه کنند.

(د) تأخیر تأدیه در دیون ناشی از سفته و برات که این استثنا در مقررات مربوط به اسناد تجاری پیش‌گفته وضع شده است.^{۲۴}

اما پرسش اساسی در نحوه جبران خسارت و محاسبه میزان خسارت تأخیر تأدیه مطرح می‌شود.

در نظام حقوقی انگلستان، تعیین خسارت ناشی از نقض قرارداد به دو روش انجام می‌شود: نخست، «خسارات ازپیش تعیین شده»^{۲۵} یا «خسارت توافق شده»^{۲۶} که این نوع خسارت، مبلغی است که طرفین قرارداد از پیش در متن قرارداد مشخص کرده‌اند، به گونه‌ای که چنانچه یکی از طرفین به تعهدات خود عمل نکند، طرف زیان‌دیده می‌تواند بر اساس این توافق، مبلغ یادشده را مطالبه نماید و دوم، «وجه التزام قضایی»^{۲۷} که در این شیوه، تعیین میزان خسارت به قاضی یا داور رسیدگی‌کننده واگذار می‌شود. در واقع، این نوع خسارت بر اساس ارزیابی قاضی یا داور و شرایط خاص پرونده تعیین می‌گردد. اصولاً در حقوق انگلستان، اصل آزادی طرفین در توافقات معتبر است و تا جایی که توافق بر میزان خسارت تأخیر تأدیه، بیانگر تخمین صادقانه از میزان زیانی باشد که در اثر نقض قرارداد به طرف زیان‌دیده وارد می‌آید، معتبر خواهد بود و دادگاه‌ها

24. Barker Pafield. Coline.F, *Law Mad Simple*, (Twelve. ed. 2002), p. 241.

25. Liquidated Damages.

26. Agreed Damages.

27. Unliquidated Damages.



خود را مکلف به پذیرش آن و عدم دخالت در کم و کیفش دانسته، برای خویش اختیاری بر دخل و تصرف در آن قائل نیستند.^{۲۸} البته شایان ذکر است که شرط تعیین خسارت در قراردادهای هر دو نظام حقوقی ایران و انگلیس تنها در صورتی معتبر و مؤثر است که تمام شرایط لازم برای صحت قرارداد در آن رعایت شده باشد. در غیر این صورت، آن شرط باطل و بی اثر تلقی خواهد شد. در حقوق انگلیس می توان آرای متعددی را مشاهده کرد که به دلیل بطلان و عدم اعتبار شرط، دادگاه به آن توجهی نکرده است. برای نمونه، در یک پرونده^{۲۹}، خواهان که یک دلال پشم بود، پس از بازنشستگی اش، از سوی خوانده (کارفرما) پیشنهادی برای دریافت حقوق بازنشستگی دریافت کرد، مشروط بر اینکه [به طور غیرمنصفانه ای] با کارفرمای سابق خود رقابت نکند. با این حال، او بعداً برای دریافت حقوق بازنشستگی معوقه اش، خوانده را تحت تعقیب قرار داد. دادگاه تجدیدنظر اعلام کرد که توافق برای پرداخت حقوق بازنشستگی، موجب محدودیت های تجاری شده، شرط پیش گفته به دلیل نامعقول (تحمیلی) بودن، جامعه را از خدمات خواهان بی بهره می ساخته است.^{۳۰} اما در صورتی که شرط قراردادی الزام به پرداخت خسارت تأخیر تأدیه، تخمین صادقانه ای از میزان زیان نباشد، بلکه بیشتر ماهیتی مبنی بر تهدید و مجازات متخلف و به دیگر سخن، جنبه تحذیری داشته باشد تا طرف متعهد را به اجرای تعهد خود وادارد و درواقع، هدف از اشتراط آن، واداشتن متعهد به اجرای تعهد اصلی باشد، «شرط جریمه^{۳۱} یا تنبیهی» نام دارد. رویه قضایی در بعضی موارد ملاک هایی را در این خصوص در جهت راهنمایی دادگاه ها ارائه نموده است؛ از جمله اینکه هرگاه مبلغ تعیین شده در قیاس با بیشترین ضرر زیان دیده به جهت نقض قرارداد، آن چنان مبالغه آمیز و غیرمنصفانه باشد که نتوان آن را معقول و متناسب تلقی کرد، این شرط جزء شروط تنبیهی بوده، از اجرای آن خودداری می شود. به طور مشخص، آنگاه که نقض قرارداد ناشی از عدم پرداخت دین پولی بوده، مبلغی که به عنوان ضمانت اجرای نقض بر طبق قرارداد قابل پرداخت است، بیش از اصل مبلغ مورد تعهد باشد، این شرط، تنبیهی دانسته می شود.^{۳۲} از آنجایی که شروط یادشده به گونه معقولی در جهت تقویم خسارات واقعی درج

28. Carter J. & Peden, E, "A Good Faith Perspective on Liquidated Damages", *Kournal of Contract Law*, No. 3, p. 157.

29. Wyatt v. Linger and Fernau" c.a, 1933.

30. Jackson Powell (J), *Professional Negligence*, (London. Sweet & Maxwell, 3th. Ed.1992), p. 89.

31. Penalty Damages.

32. Tritel, *op.cit* and Pafifield, *op.cit*.

نمی‌شوند و از سویی دیگر، هدف اصلی از جبران خسارات قراردادی، قرارگرفتن خواهان در وضعیتی است که تصور می‌شد در صورت انجام تعهدات قراردادی از سوی طرف مقابل، در آن وضعیت قرار می‌گرفت، شرط جریمه، هدف یادشده را نقض می‌کند؛ بنابراین دادگاه‌های انگلیس این شرط را غیرقابل اجرا محسوب کرده، از معتبر دانستن آن امتناع ورزیدند و خود درصد تعیین و تقویم خسارات وارده در اثر نقض قرارداد برآمدند؛ گویی که قرارداد در این خصوص متضمن شرطی نبوده است^{۳۳} و حکم به تعدیل وجه التزام تحمیلی (غیرمنصفانه) می‌دهند^{۳۴}. دادگاه‌ها در این باره اغلب نرخ تجاری را برای تعیین میزان خسارت وارده به کار می‌گیرند. دادگاه‌ها معمولاً برای محاسبه خسارت‌های وارده، از نرخ تجاری استفاده می‌کنند. این نرخ بر اساس ادله ارائه‌شده از سوی طرفین یا در برخی موارد بر اساس نرخ خواهان در پرونده‌های مشابه، برای تعیین مبلغ قابل پرداخت تعیین می‌شود^{۳۵}.

اما در حقوق ایران، تفکیکی میان این دو قسم از شروط دیده نمی‌شود و پرسشی که پیش می‌آید آن است که حدود آزادی طرفین در تعیین مبلغ قابل پرداخت تا چه اندازه است؟ آیا آنان آزادند که به هر نحو و میزان که بخواهند مبلغ یادشده را تعیین کنند؟

چنانچه در متن خود رأی وحدت رویه ملاحظه می‌شود، تعیین وجه التزام تعهدات پولی به میزان بیش از نرخ تورم، مشروط به عدم مغایرت با قوانین و مقررات امری گردیده و در قسمت اخیر آن نیز به ماده ۶ قانون آیین دادرسی مدنی استناد شده است. موضوع کلیدی در این خصوص آن است که قوانین و مقررات امری در این زمینه شامل چه مواردی است؟ برای نمونه ماده ۴۶ قانون تجارت الکترونیکی به عنوان یکی از مبانی محدودکننده تعیین وجه التزام است؛ چراکه قانون یادشده، بحث شروط تحمیلی (غیرمنصفانه) را مطرح نموده و مقرر داشته است شروطی که در قراردادها لحاظ می‌شود، باید درجه‌ای از انصاف را که قانون حمایت از مصرف‌کننده الزامات آن را مشخص کرده است دارا باشد. همچنین در قانون دریایی به امکان

33. Shaw, R, Liquidates Damages: Update Following Ringrow v BP, https://www.Lavan.com.au/images/galleries/Lavan_Legal_Liquidated_damages_update_following_Ringrow_v_BP_22_March_2012.Pdf, 2012. p. 1.

34. Chity, *Chity on Contracts*, (London: Sweet and Maxwell, 2004), p. 109.

35. John Y Gotanda, *A Study of Interest*, (Villanova University School of Law Public Law and Legal Theory, No.10 2007), p. 16.

ابطال یا تغییر قراردادهای کمک و نجاتی که تحمیلی باشد، اشاره شده است.^{۳۶} در قوانین پیش‌گفته بر لزوم منصفانه بودن شروط نسبت به مصرف‌کنندگان تأکید شده، شروط تحمیلی معتبر شناخته نشده است. از سوی دیگر، در رأی وحدت رویه اخیر، به ماده ۶ قانون آیین دادرسی مدنی استناد شده است که مقرر می‌دارد: «عقود و قراردادهایی که مخل نظم عمومی یا برخلاف اخلاق حسنه که مغایر با موازین شرع باشد، در دادگاه قابل ترتیب اثر نیست». به همین جهت و با استناد به قاعده لاضرر می‌توان گفت شروط تعیین خسارت ناشی از عدم ایفای به موقع تعهدات پولی تا جایی معتبر است که مخل نظم عمومی نباشد؛ به این معنا که صرفاً به جهت پوشش خسارات وارده به دائن پرداخت گردد و منجر به صدق عنوان ربا نشود. البته، در مواردی که خسارت تأخیر تأدیه به مبالغی گزاف شرط می‌شود، مشخص است که هدف از آن نه جبران واقعی خسارت، بلکه بیشتر تهدید و کیفر برای شخصی است که در ایفای تعهد پولی خود تأخیر می‌کند.

در جهت تحلیل بهتر موضوع در مبحث آینده، صوری که در قالب آنها خسارت تأخیر تأدیه مازاد بر نرخ تورم به عنوان خسارت ناشی از تأخیر در انجام تعهد قابل مطالبه خواهد بود، بررسی می‌گردد تا از رهگذر آن، حدود آزادی طرفین در تعیین انواع خسارات تأخیر تأدیه مازاد بر نرخ تورم که منجر به ربا نمی‌شود و شرایط حاکم بر آنها، ترسیم گردد.

۲. خسارت تأخیر تأدیه به عنوان ضمان قهری

در بررسی خسارت تأخیر تأدیه در قالب ضمان قهری به این مسئله خواهیم پرداخت که عدم انجام تعهد پولی در سررسید مشخص، ممکن است خساراتی را به متعهدله وارد سازد؛ برای نمونه در صورتی که متعهدله (که تاجری سرشناس است) مبلغ موضوع دین را در اختیار می‌داشت، می‌توانست آن را در معاملات سودآور سرمایه‌گذاری کند و با تأخیر متعهد در پرداخت دین در سررسید، از این رهگذر به ایشان خساراتی چند وارد آمده است. با صدور رأی وحدت رویه شماره ۸۰۵ در سال ۱۳۹۹، به صراحت امکان توافق طرفین بر مبلغی بیش از نرخ تورم بانک مرکزی به عنوان مبلغ قابل پرداخت در فرض تأخیر در پرداخت تعهد پولی تجویز شده، بنابراین می‌توان

۳۶. محمد ساردویی نسب و سیدجعفر کاظم‌پور، «مؤلفه‌های غیرمنصفانه بودن قرارداد»، حقوقی دادگستر، ش ۷۵ (۱۳۹۰)، ص ۳۷-۷۴.

گفت ماهیت حکم مندرج در ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م تا حد بسیار زیادی به جبران خسارت نزدیک شده است.

خسارت تأخیر تأدیه در قالب ضمان قهری در چندین قالب قابل بررسی است که در این مبحث تحت عنوان خسارت تأخیر تأدیه در قالب خسارات نوعی، خسارات مبتنی بر تقصیر شخص، و خسارت اتفاقی بیان خواهد شد.

۱.۲. خسارت تأخیر تأدیه در قالب خسارت نوعی

پول نوعاً در جامعه سود به همراه دارد و برای اثبات آن دلیلی مطالبه نمی‌شود؛ در واقع، خسارت نوعی، بهره یا سود پولی است که به‌عنوان امتیاز قرض دادن پول، به شخص دائن پرداخت می‌شود و مدیون باید برای جبران استفاده از پول، آن را بپردازد؛ بدون آنکه نیاز باشد تقصیر وی در ایراد خسارت یا میزان خسارت وارده از سوی دائن ثابت شود. بعضی از عواملی که در محاسبه نوع و نرخ سود دخیل هستند عبارت‌اند از: هزینه فرصت (هزینه عدم توانایی دائن در استفاده از پول)، ریسک نکول یا ناتوانی مدیون در بازپرداخت پول، مدت زمانی که پول قرض داده می‌شود، و احتمال مداخله دولت در نرخ سود و نقدینگی (در وام‌های بانکی). بنابراین برابر این قاعده که هرکس پول داشته باشد، می‌تواند از آن استفاده کند، این نوع از خسارت بدون نیاز به اقامه ادله اثباتی، برای همگان قابل استناد خواهد بود. برای نمونه هنگامی که شخصی در بانک حساب پس‌انداز افتتاح می‌کند، بانک به آن شخص مبلغی را به‌عنوان سود می‌پردازد. این سود، هزینه فرصت‌های ازدست‌رفته سرمایه‌گذاری وی در بانک است؛ زیرا او می‌توانست پول خود را وارد بازارهای دیگری از جمله سهام، طلا، دلار و مسکن کند.

بانک مرکزی هر کشوری با ابزارهایی که در دست دارد، نرخ بهره یا سود سالانه را تعیین می‌کند؛ هرچه میزان نرخ بهره بالاتر باشد، وام‌دهنده سود بیشتری دریافت خواهد کرد و وام‌گیرنده نیز موظف است مبلغ بیشتری را بازپرداخت کند. در حقوق انگلستان، اگر بانک‌ها پس از پایان مهلت تعیین‌شده، اعتبارهای تخصیص‌یافته را با تأخیر به ذی‌نفع پرداخت کنند، موظف به پرداخت خسارت ناشی از تأخیر خواهند بود؛ برای نمونه در پرونده حقوقی میان شرکت صادرکننده گروه ازالید و بانک اروپایی افریقا، مبلغ ۲۲،۱۲۵،۹۳۹ دلار به سود شرکت بریتانیایی حکم صادر شد. با این توضیح که با وجود آنکه مستندات لازم از سوی ذی‌نفع پیش از پایان



اعتبار تسلیم بانک شده بود، این بانک به مدت تقریبی دو ماه در پرداخت مبلغ یادشده تأخیر کرد. در این فاصله، ارزش دلار آمریکا نسبت به پوند انگلستان، ۱۰۳ برابر کاهش یافت و در نتیجه، صادرکننده مبلغ ۲,۹۸۷,۱۷ پوند را به عنوان خسارت ناشی از افت ارزش دلار از بانک درخواست کرد. دادگاه استدلال کرد که بانک باید آگاه می بود که صادرکننده بریتانیایی قصد دارد به محض دریافت به موقع اعتبار، مبلغ تخصیص یافته را به پوند تبدیل کند و همچنین کاهش ارزش دلار برای بانک قابل پیش بینی بود. بنابراین، افزون بر مبلغ خسارت، دادگاه بانک را به پرداخت بهره نیز محکوم کرد. با توجه به رأی دادگاه، می توان گفت که بخشی از خسارت ناشی از تأخیر در پرداخت، به دلیل کاهش ارزش پول و بخشی دیگر مربوط به بهره است که با شرایطی در حقوق انگلستان قابل مطالبه است.^{۳۷}

در حقوق ایران، ماده ۷۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی سابق مصوب ۱۳۱۸، ذیل عنوان خسارت تأخیر تأدیه بیان می داشت: «در دعاوی که موضوع آن وجه نقد است... خسارت تأخیر تأدیه معادل صدی دوازده (۱۲ درصد) محکوم به در سال است ...». درواقع مطابق این ماده، صرف نظر از میزان نرخ تورم در جامعه (که منجر به کاهش ارزش پول می شود)، مدیون در صورت تأخیر در انجام تعهد پولی خود، موظف است مبلغ مقطوعی خسارت به دائن پرداخت نماید و برای مطالبه این خسارت نوعی، دائن نیازی به اثبات تقصیر مدیون یا میزان خسارت واقعی که از این رهگذر به ایشان وارد شده است، ندارد. به بیانی دیگر، ممکن بود در سالی که میزان نرخ تورم در جامعه ۱ درصد است، مدیون موظف باشد که ۱۱ درصد خسارت نوعی به عنوان سود پولی که در پرداخت آن تأخیر نموده و دائن را از استفاده از آن محروم کرده است، پرداخت کند. به همین دلیل پس از وقوع انقلاب اسلامی، سازمان ها و مراجع قضایی پرسش ها و استفساریه های گوناگونی را درباره مشروعیت این نوع از خسارت تأخیر تأدیه مطرح کردند تا در نهایت امام خمینی (ره) در خصوص مواد ۳۶ و ۳۷ آیین نامه اجرایی مفاد اسناد رسمی، به صراحت این ماده را ربا و غیر شرعی اعلام کردند و شورای نگهبان نیز مواد مندرج در قانون آیین دادرسی مدنی و سایر مواد پراکنده درباره خسارت تأخیر تأدیه را برخلاف شرع دانست.^{۳۸}

37. Ozalid Group Export Ltd V. African Continental, 1979.

۳۸. سید عباس موسویان، بررسی فقهی- حقوقی قوانین مربوط به جرمه و خسارت تأخیر تأدیه در ایران، (تهران: جنگل، چ ۱، ۱۳۸۹)، ص ۳۷.

در ارزیابی این دیدگاه باید گفت که تفاوت‌های اساسی میان ربا و خسارت تأخیر تأدیه در قالب خسارت نوعی (ناظر بر فرض عدم پرداخت به‌موقع تعهد پولی) وجود دارد و بنابراین شائبه ربوی بودن آن محل نقد و تأمل جدی است؛ هرچند که نگاه به پیشینه قانون‌گذاری در این موضوع پس از انقلاب اسلامی که به نسخ ماده ۷۱۹ سابق و وضع ماده ۵۲۲ فعلی منتهی شد، نشان می‌دهد که علت چنین تغییری از سوی قانون‌گذار، ریشه در ربانگاری موضوع و تأمین نظر فقهای شورای نگهبان برای رفع این مشکل داشته است. در واقع قصد مشترک طرفین قرارداد ربوی، پرداخت مال از یک طرف و بازپرداخت آن با اضافه معین به طرف دیگر است، درحالی که فلسفه پرداخت خسارت تأخیر تأدیه به‌عنوان خسارت نوعی، جبران خسارات وارده به شخص دائن به دلیل عدم توانایی وی در استفاده از پول خود در مدت معین و تضمین انجام تعهد پرداخت مال در موعد مقرر است و این مبلغ بابت دیرکرد در بازپرداخت به‌موقع پول متوجه طرف دیگر می‌شود^{۳۹}، نه به عنوان مبلغ زیاده و اضافی.

در حقوق انگلیس همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، پس از گذار از مرحله عدم امکان دریافت خسارت در تعهدات پولی و سپس پذیرش امکان دریافت خسارت تأخیر تأدیه در صورت وجود شرط صریح یا ضمنی قراردادی، در نهایت بر اساس بخش ۳ از قانون اصلاح قوانین متفرقه مصوب ۱۹۳۴، به دادگاه‌ها اختیار داده شد که بدون لزوم توجه به شروط صریح، ضمنی و به‌طور مطلق، در تمامی موارد تأخیر در پرداخت دیون پولی، براساس شرایط حاکم بر آنها و به شرط اینکه از آنها درخواست شود بهره (خسارت نوعی) را محاسبه و در رأی خود منظور نمایند. طبق ماده ۱۷ قانون احکام دادگاه‌ها مصوب ۱۸۳۸^{۴۰}، ماده ۳۵ قانون دادگاه عالی مصوب ۱۹۸۱ و ماده ۶۹ قانون دادگاه‌های بخش مصوب ۱۹۸۴^{۴۱}، در صورتی که خواسته مربوط به وجه نقد باشد، دادگاه‌ها موظف به صدور حکم پرداخت بهره ساده هستند. این حکم شامل تمامی مواردی است که منبع طلب، دین یا خسارت باشد و به مدت‌زمانی که دادگاه مناسب تشخیص دهد، تا زمان وصول طلب، بهره ساده با نرخ ۸ درصد تعیین می‌شود. همچنین، امکان دارد دادگاه‌ها با توجه به شرایط موجود، حکم به پرداخت بهره‌ای تا سقف ۳۰ درصد نیز صادر کنند، مشروط بر اینکه این

۳۹. ایرج بابایی، پیشین، ص ۱۶۷.

40. Judgments Act 1838, Article 17.

41. Count court Act 1984, Article 69.



نرخ عادلانه و متعارف باشد. به طور کلی، دادگاه‌های بخش و عالی، در تعیین نرخ بهره عادلانه و مدت زمان آن (که می‌تواند از زمان ایجاد دعوی یا تاریخ مطالبه وجه یا هر زمان دیگری که مناسب بدانند، آغاز شود) دارای اختیارات قانونی هستند. افزون بر این، آنها می‌توانند بخشی از دین یا خسارت را نیز مشمول بهره قرار دهند.^{۴۲} در نتیجه، با توجه به تحولات پیش گفته، روند کلی دادگاه‌های انگلیس در حال حاضر این است که بهره از طریق دریافت خسارت ناشی از تأخیر تأدیه پول قابل مطالبه بوده، مدیون به جبران و تأدیه خسارات یادشده ملزم شناخته می‌شود.

۲.۲. خسارت تأخیر تأدیه در قالب خسارت مبتنی بر تقصیر شخص

ممکن است شخصی ادعا کند که خسارتی که از قِبل تأخیر در انجام تعهد پولی متعهد به او وارد آمده، بیش از خسارت نوعی است که نهادهای اقتصادی به عنوان هزینه عدم توانایی دائن در استفاده از مبلغ موضوع دین (با عنوان سود یا بهره پول) تعیین نموده‌اند؛ برای نمونه در حاکمیت قانون پیشین که نرخ خسارت تأخیر تأدیه بر اساس خسارت نوعی ۱۲ درصد تعیین شده بود، ممکن بود شخصی ادعا نماید در صورتی که آن پول در اختیار او می‌بود، می‌توانست با سرمایه‌گذاری در پروژه‌های سودآور، ۲۰ درصد سود به دست آورد. در چنین وضعیتی، مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر مطرح خواهد شد؛ به این معنا که برای جبران خسارت وارده (خسارت شخصی مورد ادعای دائن) اثبات تقصیر واردکننده زیان ضروری است. در واقع، کسی مکلف به جبران زیان وارده است که در ایجاد آن تقصیر داشته باشد. بنابراین، برابر این دیدگاه، در صورت تأخیر در انجام تعهدات پولی، دائن صرفاً مستحق دریافت کاهش ارزش پول (بر مبنای نرخ تورم) و خسارت نوعی ناشی از هزینه ازدست‌رفته در استفاده از پول خود (بدون نیاز به اقامه ادله اثباتی) خواهد بود؛ مگر آنکه بتواند مطابق قواعد عمومی مسئولیت مدنی، ثابت نماید که از عدم انجام این تعهد (تقصیر مدیون)، خسارت مشخصی بیش از مبالغ اخیر به وی وارد آمده است و از این بابت جبران خسارت وارده را از محاکم صالح قضایی تقاضا نماید.^{۴۳} در واقع، زیان‌دیده موظف است ثابت نماید که خسارت وارده به ایشان قطعی و ناشی از تقصیر مدیون است و صرف حدس

۴۲. باشکوه مظفر، «ماهیت خسارت تأخیر تأدیه وجه نقد در حقوق ایران و انگلستان»، تحقیقات حقوقی خصوصی و کیفری، ش ۱۸ (۱۳۹۱)،

ص ۱۰۳ و ۱۰۴.

۴۳. همان، ص ۱۷۱ و ۱۷۲.

و گمان در این زمینه کفایت نمی‌کند.^{۴۴}

اما پرسشی در این خصوص پیش می‌آید: معیار تشخیص تقصیر در این موارد، شخصی است یا نوعی؟

بر اساس معیار انسان معقول و متعارف، تقصیر عبارت است از انجام کاری که انسانی فرضی در شرایط مشابه انجام نمی‌داد یا ترک کاری که در آن شرایط انجام می‌داد؛ درحالی که در معیار شخصی، به آن دسته از شرایط درونی شخص مقصر که در وقوع ضرر مؤثر بوده است، توجه خواهد شد و شخصی در صورتی مقصر شناخته می‌شود که از نظر اخلاقی قابل سرزنش باشد.^{۴۵} به نظر می‌رسد با توجه به دشواری ارزیابی و احراز شرایط درونی شخص خاطی، معیار نوعی تشخیص تقصیر برتری داشته، برای تشخیص مقصر بودن یا نبودن واردکننده زیان باید به این پرسش پاسخ داده شود: اگر منافع یا اموال زیان‌دیده متعلق به زیان‌زننده می‌بود، آیا همان‌گونه رفتار می‌کرد؟ به عبارت دیگر، آیا مدیون تحمل می‌کند که دیگری در پرداخت دین پولی خود چنان تأخیری نماید؟ در صورتی که پاسخ منفی باشد، او مقصر است.^{۴۶}

۳.۲. خسارت تأخیر تأدیه در قالب خسارات اتفاقی

احکام وضعی و تکلیفی که پیرامون انجام یا ترک افعال مختلف مطرح می‌شود، گاه با شدت و سختی همراه است و تحقق برخی شرایط، سبب سخت‌گیری بیشتر شارع یا مقنن نسبت به مرتکبان می‌شود.^{۴۷}

مطابق نظریه تضمین حق که منجر به شناسایی مسئولیت مطلق برای زیان‌زننده می‌شود، واردکننده زیان مطلقاً مسئول جبران خسارت است و قوه قاهره نیز رافع مسئولیت وی نخواهد

۴۴. منصور امینی و مونا عبدی، «بررسی تطبیقی خسارت از دست دادن حق استفاده از اموال در نظام‌های حقوقی ایالت متحده آمریکا و ایران»، *مطالعات حقوق تطبیقی معاصر*، ش ۲۴ (۱۴۰۰)، ص ۱.

۴۵. حسن بادینی، «نگرشی انتقادی به معیار انسان معقول و متعارف برای تشخیص تقصیر در مسئولیت مدنی»، *دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، ش ۱ (۱۳۸۹)، ص ۷۳ و ۷۴.

46. Ernest Weinrib, "Toward a Moral theory of Negligence Law", *Law & Philosophy*, No. 2, (1983), p. 49-52.

به نقل از: حسن بادینی، *فلسفه مسئولیت مدنی*، (تهران: شرکت سهامی انتشار، چ ۴، ۱۴۰۰)، ص ۱۳۰.
۴۷. عبدالله خدابخش، «الغاصب یؤخذ بأشق الأحوال»، *فقه اهل بیت علیهم السلام*، ش ۶۱ (۱۳۸۹)، ص ۱۰۸.

بود. از جمله مهم‌ترین مصادیق این نظریه، مسئولیت غاصب است؛ برخورد سخت‌گیرانه با غاصب، از روایات و احکامی به‌دست می‌آید که در باب غصب صادر شده است؛ قاعده فقهی «الغاصبُ یؤخذُ بِأَشَقِّ الْأَحْوَالِ» اذعان می‌دارد: با غاصب به سخت‌ترین شیوه‌ها برخورد می‌شود.^{۴۸} در واقع، از این قاعده، سخت‌گیری در تاوان و هزینه برداشت می‌شود؛ به این معنا که غاصب باید تمامی هزینه‌هایی را که برای انتقال مال به مالک لازم است، بپردازد و در این زمینه با او به هیچ عنوان مدارا نخواهد شد و برگرداندن عین و منافع مال - هرچند دربردارنده مشقت و سختی بسیاری باشد - بر غاصب لازم است؛ البته تا هنگامی که برتابیدن آن مشقت ناممکن شود.^{۴۹} بنابراین، ادله نفی حرج و ضرر از شخص غاصب روی‌گردان است.^{۵۰} این نحوه برخورد با غاصب، همان سخت‌ترین برخورد با غاصب است که تلاش‌ها، سرمایه‌گذاری‌ها و وقت گذاشته‌شده از سوی او را بی‌حاصل دانسته و برای آن ارزشی قائل نشده است.

امام خمینی (ره) در جلد دوم «کتاب البیع» بعد از اعلام انصراف ادله نفی حرج و ضرر از غاصب، بیانی دارند که نشان می‌دهد حکم سخت‌گیری بر غاصب، متوجه کسی است که عالم به موضوع باشد و در این صورت، اگر هزینه رد مال از حد متعارف فراتر رود یا موجب حرج شود نیز تحمیل می‌شود و اگر متصرف جاهل باشد، نمی‌توان بیشتر از حد معمول که سبب حرج او می‌شود، هزینه‌ای را بر او تحمیل کرد.^{۵۱} ایشان همین تفصیل را در کتاب «المکاسب المحرمه» نیز بیان می‌دارند.^{۵۲} شهید سید محمد صدر نیز بر این باور است که قدر متیقن از این قاعده، شخصی است که یا سوءنیت دارد یا به مصلحت خود عمل می‌کند، نه به مصلحت مالک.^{۵۳} این امر نشان می‌دهد که اگر نیت غاصب از «سوء» به «حسن» تبدیل شود و به‌جای مصلحت خود به فکر رعایت حال مالک بیفتد، مشمول «الغاصبُ یؤخذُ بِأَشَقِّ الْأَحْوَالِ» نخواهد بود.^{۵۴}

۴۸. ابوالفضل علیشاهی، «تقد و تحلیل آرای فقهی در باب قاعده الغاصب یؤخذُ بِأَشَقِّ الْأَحْوَالِ و قلمرو مصداقی آن»، فقه و اصول، ش ۸۹ (۱۳۹۱)، ص ۱۲۵.

۴۹. محمد صدر، ماوراء الفقه، (بیروت: دارالاضواء، ج ۱، ۱۴۰۲ق)، ص ۳۱۳.

۵۰. روح‌الله خمینی، کتاب البیع (تقریرات)، تقریر: حسن قدیری، ج ۲، (بی‌جا: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بی‌تا)، ص ۵۱۱.

۵۱. همان، ص ۵۱۱ و ۵۱۲.

۵۲. روح‌الله خمینی، مکاسب محرمه، ج ۲، (بی‌جا: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۱، ۱۴۱۵ق)، ص ۳۹۸.

۵۳. محمد صدر، پیشین، ج ۴، ص ۳۳۱.

۵۴. همان، ج ۵، ص ۲۶.

مطابق آنچه گفته شد، معیار برخورد سخت‌گیرانه با غاصب، سوءنیت وی در استیلا و تصرف عدوانی مال غیر است؛ در صورتی که اگر سوءنیتی در کار نبود، فقط ضمان ید بر او جاری می‌شد. بنابراین، می‌توان از این معیار در سایر مواردی که شخصی به نحو عدوان و با سوءنیت موجبات ایراد خسارت بر دیگری را فراهم می‌آورد، استفاده نمود؛ از جمله در بحث موضوع این نوشتار، به این معنا که اگر مدیونی از پرداخت دین پولی خود در سررسید مشخص خودداری کند، در صورتی که سوءنیت او ثابت شود، نه تنها ملزم به جبران کاهش ارزش پول (ضمان قراردادی)، خسارت نوعی (به صورت مطلق) و خسارت مبتنی بر تقصیر شخص (در صورت اثبات تقصیر و میزان خسارت وارده) به دائن می‌گردد، بلکه موظف به جبران خسارات اتفاقی نیز خواهد بود؛ اگرچه مستند به فعل او نباشد. برای مثال، در فرضی که دائن ادعا می‌کند از تأخیر در پرداخت دین پولی مدیون، معامله سودآور وی به دلیل کمبود بودجه مالی و برگشت خوردن چک‌هایش فسخ گردیده و وی به جهت برهم خوردن معامله مجبور شده است وجه التزام گزافی به طرف قراردادی‌اش بپردازد، در صورتی که سوءنیت مدیون در تأخیر در پرداخت دینش اثبات گردد، وی ملزم به پرداخت خسارات وارداً آمده به دائن به دلیل برهم خوردن معامله خواهد بود؛ اگرچه آن خسارات برای وی غیرقابل پیش‌بینی بوده و از آن اطلاعی نداشته باشد.

نتیجه

اگرچه با استناد به ماده ۵۲۲ آیین دادرسی مدنی به نظر می‌رسد منظور قانون‌گذار در واقع جبران کاهش ارزش پول بر اساس شاخص نرخ تورم (ضمان جعلی) از سوی بدهکاران است، اما با تصویب رأی وحدت رویه شماره ۸۰۵ از جانب دیوان عالی کشور و پذیرش تعیین وجه التزام تعهدات پولی، بیش از شاخص بانک مرکزی تا هر میزان، و البته به شرط عدم مغایرت با قوانین امری از جمله مقررات پولی، می‌توان گفت ماهیت خسارت تأخیر تأدیه تا حد بسیار زیادی به جبران خسارت در معنای واقعی خود (ضمان قهری) نزدیک شده و برای طرفین قراردادی (جز بانک‌ها) راهی گشوده تا از گذر توافق با یکدیگر و تعیین مبلغی معقول، برای جبران خسارتی که به سبب عدم پرداخت به موقع تعهد پولی به آنان وارد آمده است، اقدام کنند. این خسارات ذیل ضمان قهری شامل خسارات نوعی (مطلقاً و بدون نیاز به اثبات)، خسارات مبتنی بر تقصیر شخص (در صورت اثبات تقصیر مدیون در ایراد ضرر و میزان خسارت وارده) و خسارات اتفاقی (با

اثبات سوءنیت مدیون در ورود ضرر) خواهند بود که همگی با رعایت شرایط مقرر، به عنوان خسارت تأخیر تأدیه در معنای حقیقی خود قابل مطالبه و دریافت هستند.

اما در خصوص قلمرو آزادی اراده اشخاص در تعیین میزان خسارت تأخیر تأدیه، در حقوق انگلیس، دادگاه‌ها شروط ناظر بر تعیین خسارت تأخیر تأدیه را به دو دسته شرط کیفری و شرط خسارت تعیین شده تقسیم می‌کنند و در جایی که به تشخیص دادگاه، توافق طرفین به جهت غیرمنصفانه بودن مبلغ قابل پرداخت، ماهیت مجازات و تنبیه و تهدید برای طرف متخلف داشته باشد، آن را معتبر ندانسته، در این حالت، میزان خسارت به وسیله دادگاه به روش معمول (از جمله بر اساس نرخ تورم) ارزیابی می‌شود. در حقوق ایران نیز با استناد به رأی وحدت رویه اخیر و همچنین قاعده لاضرر، تعیین وجه التزام تعهدات پولی به میزان بیش از نرخ تورم منوط به رعایت مقررات ماده ۶ آیین دادرسی مدنی و عدم مغایرت با قوانین و مقررات امری شده، به همین جهت می‌توان گفت شروط تعیین خسارت ناشی از عدم ایفای به موقع تعهدات پولی تا جایی معتبر است که تحت عنوان شرط تحمیلی، مخل نظم عمومی یا برخلاف اخلاق حسنه نباشد؛ به این معنا که ارزیابی میزان خسارات واقعی وارده به متعهدله باشد، نه مبلغ مازاد و گزاف به عنوان ربا.

در نهایت پیشنهاد می‌شود، متن ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی به این شرح اصلاح گردد: «مدیون ملزم به پرداخت خسارت ناشی از تأخیر تأدیه دین پولی از نوع وجه رایج کشور، از تاریخ مطالبه و بر اساس شاخص سالانه اعلامی بانک مرکزی خواهد بود. متعهدله بدون نیاز به اثبات ورود هرگونه ضرر، مستحق دریافت این خسارت می‌باشد. چنانچه متعهد به واسطه سوءنیت خود موجب ورود خسارتی غیر از خسارت تأخیر تأدیه نوعی شده باشد، متعهدله می‌تواند آن را نیز مطالبه نماید. دریافت سایر خسارات وارده، منوط به اثبات تقصیر مدیون مطابق قواعد عام مسئولیت مدنی می‌باشد».

منابع و مأخذ

الف) منابع فارسی

- کتابها

۱. بابایی، ایرج (۱۳۹۹). *حقوق مسئولیت مدنی مبتنی بر نقد و بررسی آراء و رویه قضایی*، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.
۲. بادینی، حسن (۱۴۰۰). *فلسفه مسئولیت مدنی*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۳. شهیدی، مهدی (۱۴۰۱). *حقوق مدنی: آثار قراردادها و تعهدات*، تهران: مجد.
۴. صفایی، سید حسین و رحیمی، حبیب‌اله (۱۳۹۹). *مسئولیت مدنی تطبیقی*، تهران: شهر دانش.
۵. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۳). *قواعد عمومی قراردادها*، تهران: سهامی انتشار.
۶. کاتوزیان، ناصر (۱۴۰۰). *نظریه عمومی تعهدات*، تهران: میزان.
۷. مکارم شیرازی، ناصر و علیان‌نژادی، ابوالقاسم (۱۳۹۵). *ریا و بانک‌داری اسلامی*، قم: امام علی بن ابی‌طالب.
۸. موسویان، سید عباس (۱۳۸۹). *بررسی فقهی - حقوقی قوانین مربوط به جریمه و خسارت تأخیر تأدیه در ایران*، تهران: جنگل.
۹. میشیکین، فردریک (۱۳۹۶). *پول، ارز، بانکداری*، ترجمه علی جهانخانی و علی پارساییان، تهران: سمت.

- مقالات

۱۰. آقایی، کامران (۱۳۹۶). ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی در آیین نظریه تعدیل پول، *تحقیقات حقوقی*، ۲۰ (۸۰)، ۲۵۸-۲۳۹. Doi: 10.22034/jlr.2018.112782.1086
۱۱. امینی، منصور و عبدی، مونا (۱۴۰۰). بررسی تطبیقی خسارت از دست دادن حق استفاده از اموال در نظام‌های حقوقی ایالت متحده آمریکا و ایران، *مطالعات حقوق تطبیقی معاصر*، ۱۲ (۲۴)، ۱-۳۳. Doi: 10.22034/LAW.2021.13954

۱۲. بادینی، حسن (۱۳۸۹). نگرشی انتقادی به معیار انسان معقول و متعارف برای تشخیص تقصیر در مسئولیت مدنی، *دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، ۴۰ (۱)، ۷۳-۹۳.
۱۳. توسلی، محمداسماعیل (۱۳۸۴). بررسی و نقد نظریات برخی از اندیشوران اسلامی درباره ماهیت پول، *اقتصاد اسلامی*، ۵ (۱۹)، ۱۲۳-۱۵۱.
۱۴. خدابخشی، عبدالله (۱۳۸۹). الغاصب یوخذ بأشق الاحوال، *فقه اهل بیت علیهم السلام*، ۱۶ (۶۱)، ۱۰۷-۱۳۶.
۱۵. ساردویی نسب، محمد و کاظم پور، سید جعفر (۱۳۹۰). مؤلفه‌های غیرمنصفانه بودن قرارداد، *حقوقی ددگستر*، ۷۵ (۷۵)، ۳۷-۷۳. Doi: 10.22106/jlj.2011.11076
۱۶. صدقی، غلامعلی (۱۴۰۰). وجه التزام ناشی از تعهدات پولی: تحلیل مبانی فقهی و حقوقی و پاسخ به سؤالات، اشکالات و ابهامات رأی وحدت‌رویه ۸۰۵ هیئت عمومی دیوان عالی کشور، *مجموعه حقوقی (دیوان عالی کشور)*، (۱)، ۲۳۱-۲۷۸.
۱۷. علیشاهی، ابوالفضل (۱۳۹۱). نقد و تحلیل آرای فقهی در باب قاعدة الغاصب یوخذ بأشق الاحوال و قلمرو مصداقی آن، *فقه و اصول*، ۸۹ (۴۴)، ۱۲۵-۱۵۰.
۱۸. کریمی، عباس و جواهر کلام، محمدهادی (۱۳۹۹). تحلیل رأی وحدت‌رویه شماره ۷۳۳ هیأت عمومی دیوان عالی کشور؛ با تأکید بر ماهیت پول و تمایز کاهش ارزش پول، خسارت تأخیر تأدیه و خسارت ناشی از افزایش قیمت‌ها، *دانشنامه حقوق اقتصادی*، ۲۷ (۱۷)، ۱-۲۴. Doi: 10.22067/lowecon.2021.47236.0
۱۹. مظفر، باشکوه (۱۳۹۱). ماهیت خسارت تأخیر تأدیه وجه نقد در حقوق ایران و انگلستان، *تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری*، ۱۸ (۸)، ۹۵-۱۱۸.
۲۰. وحدتی شبیری، سید حسن (۱۳۸۲). مطالعه تطبیقی تأخیر تأدیه در حقوق ایران و فقه امامیه، *اقتصاد اسلامی*، ۳ (۱۲)، ۹۳-۱۰۹.
۲۱. یزدی فرد، علی‌اکبر؛ ابهری، حمید؛ بهرامی، حسین (۱۳۹۱). مفهوم و ماهیت پول و ضمان مربوط به کاهش ارزش و خسارت تأخیر تأدیه در بازپرداخت قرض اسکناس، *مطالعات فقه و حقوق اسلامی*، ۲۷، ۹-۳۴.

ب) منابع عربی

۲۲. خمینی، روح‌الله (بی‌تا). *کتاب البیع (تقریرات)*، تقریر: حسن قدیری، بی‌جا: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲۳. خمینی، روح‌الله (۱۴۱۵ق). *مکاسب محرمة*، بی‌جا: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲۴. صدر، محمد (۱۴۰۲ق). *ماوراء الفقه*، بیروت: دارالاضواء.

ج) منابع انگلیسی

- Books

25. Treitel, Guenter H (2005). *An Outline of the Law of Contract*, Oxford University Press.
26. Powell (J), Jackson (1992). *Professional Negligence*, London: Sweet & Maxwell.
27. Gotanda, John Y. (2007). *A Study of Interest*, Villanova University School of Law Public Law and Legal Theory.
28. Cheshire, Atiyah, p.s. (2006). *An Introduction to the Law of Contract*, Oxford Clarendon Press.
29. Cheshire.Fifoot, Furmstons (1986). *Law of Contract*, London: Butter Worts.
30. Beale, Hugh (2004). *Chity on Contracts*, London: Sweet and Maxwell.
31. Trietel, Guenter H (1989). *An Outline of the Law of Contract*, London: Butlet Worrth .
32. Pafifield, Coline.F (2002). *Barker*, Law Mad Simple.
33. V. Reynolds, William (1990). *An Introduction to the Law of Contract*, Oxford Clarendon Press.

- Articles

34. Carter, J. & Peden, E (2007). A Good Faith Perspective on Liquidated Damages, *Kournal of Contract law*, 23 (3), p. 157-179.

35. Shaw. R (2012). Liquidates Damages: Update Following Ringrow v BP, [https://www. Lavan. com. au/images/galleries/Lavan_Legal._Liquidated_damages_update_following_Ringrow_v_BP._22_March_2012. Pdf](https://www.Lavan.com.au/images/galleries/Lavan_Legal._Liquidated_damages_update_following_Ringrow_v_BP._22_March_2012.Pdf).
36. Weinrib, Ernest, (1983). Toward a Moral Theory of Negligence Law, *Law & Philosophy*.